

سید محسن ماهینی در گفت و گویا «صبا»:

«عشقولانس» یک کمدی موقعیت متفاوت است

گفتوگو
علی ظهوری راد

سید محسن ماهینی اولین فیلم خود را در فضایی کمدی ساخته و خودش می گوید سعی کرده در این فیلم نگاه متفاوتی به عشق و مقوله عشق داشته باشد. گفت و گوی او را با «صبا» در این جامی خوانید.



آقای ماهینی تهیه کننده فیلم در مصاحبه ای که با «صبا» داشته به ما گفته که «عشقولانس» با سایر کمدی هایی که این روزها در سینمای ایران تولید می شود متفاوت است و وجه اجتماعی آن خیلی بیشتر است ضمن این که موضوع جدیدی را بیان و دنبال می کند. شما به عنوان نویسنده و کارگردان این کار بفرمایید که ایده اولیه کار از کجا به ذهنتان رسید و تفاوتی که تهیه کننده به آن اشاره کرده، در کجای داستان شما وجود دارد؟

ایده اصلی «عشقولانس» را یکی از دوستانم سه چهار سال پیش با من مطرح کرد و من از آن ایده اصلی اولیه بسیار خوشم آمد. این ایده همین طور در فکر من بود که آن را به پروگرام آن هم با توجه به این که ایده دوست من با موضوع عشق بود و عشق چیزی است که این روزها همه در موردش حرف می زنند و شما می بینید که در فیلمها و قصهها مدام نام عشق می آید. بنابراین می توان گفت عشق یک موضوع روز است و همیشه در همه جای دنیا مطرح است اما دوست من شکل جدید و زاویه ای جدید از پرداختن به موضوع عشق را برایم مطرح کرد که برای من خیلی جذابیت داشت و طرح اولیه خوبی بود که بخش هایی از آن را دوست داشتم و تمایل داشتم بخش هایی از آن را هم عوض بکنم. این طرح آرام آرام در ذهن من شکل گرفت و طرح اولیه را نوشتیم که کمی روی آن کار کردیم.

نکته دیگر این است که باتوجه به شغل من که مدرس کنکور هستم و در تهران و سراسر کشور به شکل استاد پروازی تدریس می کنم به همین دلیل با دانش آموزان مقطع پیش دانشگاهی که کنکوری هستند خیلی درگیرم و حتی بسیاری از این افراد بعد از کنکور و در زمان دانشجویی با من به عنوان مشاور تحصیلی در تماس هستند و ارتباط دوستانه ای باهم داریم و به عنوان یک معتمد دغدغه هایشان را به من می گویند در طی این گفت و گوها و هم صحبتی ها با نسل جوان تر دیدم که ماجرای عشق بین جوان ها خیلی بیشتر از سنین دیگر مطرح است و برای آن ها این مسئله سوال بزرگی است. به همین خاطر دیدم دغدغه پرداختن به آن وجود دارد ضمن این که در دنیایی که در حال حاضر در آن زندگی می کنیم با اقسام عشق سروکار داریم هم مفاهیم متعالی از آن استخراج می شود و هم مفاهیمی که گاهی اوقات وقتی انسان به آن نگاه می کند حس می کند با چیزی دیگر روبه رو است که تنها نامی از عشق را بر خود دارد.

اتفاقی که این روزها در دنیای ما در حال پیش آمده این است که عشق را با چیزی که مخالف خودش است به شکلی مخلوط کرده اند یا شاید باتوجه به اقتضای جامعه ما به نوعی عشق و خیانت مخلوط شده که در واقع این دو واژه متناقض آن تبدیل به مفاهیمی در هم پیچیده شده اند یعنی گاهی شخصی ممکن است چیزی را به نام عشق ببیند اما در واقع آن مسئله خیانت باشد یا برعکس آن اتفاق بیفتد. این ها مسائلی است که در جامعه و فضای مجازی متأسفانه به وفور می بینیم و ما باتوجه به این موضوعات گفتیم باتوجه به دغدغه و درگیری که نوجوان ها دارند بتوانیم کاری کنیم تا در مورد عشق کمی برای آن ها روشنگری شود. چند بار روی فیلمنامه کار کردیم و بارها با افراد مختلفی مشورت کردیم و به طور متناوب در مورد داستان «عشقولانس» با دوستان اما متعددی که فیلمنامه نویس بودند یا نبودند اما در مسائل اجتماعی صاحب نظر بودند صحبت

کردیم و پس از گرفتن نتیجه نهایی تلاش کردیم کلام خود را به شکل یک زبان گویا بیان کنیم. دیدیم بهترین شیوه این است که داستان را در فضای طنز بیان کنیم و دیگر این که از مدیوم سینما برای بیان آن استفاده کنیم و خدا را شکر پس از پیگیری های متعدد موفق به انجام این کار شدیم.

برداشت من از حرف های شما این است که در چهار سال اخیر طرح فیلم را در ذهن خود داشتید اما مدتی قبل از فیلمبرداری آن را به انسجام رسانده اید.

نه، همان چهار سال گذشته وقتی طرح اولیه را یکی از دوستانم برایم تعریف کرد براساس آن یکی دو نسخه از فیلمنامه را نوشتم. در طی این سال ها وقتی با دوستان مختلف مشورت می کردم مثلاً یک سکانس در یک بخش را می نوشتم یا مثلاً خلاصه سکانس های چند بخش را مشخص می کردم. گاهی اوقات هم اتفاق افتاد که بخش هایی از داستان را به طور کلی حذف می کردیم و آن را با مسائل جدید جایگزین می کردیم. ایده ای که من در ابتدای نگارش این فیلمنامه داشتم این بود که گویا ما می خواهیم مجسمه ای طراحی کنیم پس بهتر است یک تخته سنگ بیاوریم و آن را بتراشیم چون گاهی اوقات برعکس این عمل می شود و عده ای برای نوشتن فیلمنامه بر داستان اصلی ایده هایی را اضافه می کنند اما سعی کردیم که کلیت ماجرا را در نظر بگیریم و اضافات آن را دور بریزیم تا در نهایت فیلمنامه ما به شکل یک تندیس زیبا دربیاید و امیدوارم این اتفاق افتاده باشد. چون دغدغه من این بود که مخاطب عام و مردم از این کار خوششان بیاید و آن مفهومی که مفهوم واقعی عشق است آن گونه که در دیدگاه ما بوده مطرح شود امیدوارم که مردم هم از این فیلم استقبال کنند.

در مورد مراحل تولید توضیح دهید. آشنایی شما با آقای پاکیده که از عوامل حرفه ای و قدیمی سینماست در کنار گروه بازیگران کمدی فیلم، نشان دهنده این است که با فیلم جالبی روبه رو هستیم. حتی بازیگری مثل لعبا زنگنه که تا به حال در یک کار کمدی حضور نداشته از جمله بازیگران فیلم شماست.

باید توضیحی در مورد نوع کمدی «عشقولانس» بگویم. نوع کمدی ما در یک فضای رئال است و به نوعی فیلم ما کمدی موقعیت را در درون خود دارد یعنی داستانی که در فیلم است بر این فرض نگاشته شده که ممکن است این اتفاق برای هر کسی بیفتد و به این شکل نیست که مثلاً ما طنزی را داشته باشیم با موقعیتی منحصر به فرد که قرار باشد فقط به آن وضعیت بختندیم همان کمدی موقعیت که در بالاتر به آن اشاره کردم در فیلم وجود دارد که در زندگی همه ما هم نمونه های آن پیدا می شود. زندگی هر انسان شامل لحظات شاد، غمگین، عاطفی و... است. بنابراین در فیلم ما تمام این لحظات را می بینید و سعی کردیم این اتفاق در واقعی ترین حالتش بیفتد.



دغدغه من این بود که مخاطب عام و مردم از این کار خوششان بیاید و آن مفهومی که مفهوم واقعی عشق است آن گونه که در دیدگاه ما بوده مطرح شود امیدوارم که مردم هم از این فیلم استقبال کنند

بنابراین باتوجه به آنچه گفتیم در فیلممان طبیعتاً نقش هایی داریم که لازمهاش این نبوده تا بازیگران کمدین در این نقش استفاده کنیم یعنی نقش های جدی داریم که در فضای طنز آلود کار ما موقعیتشان یک موقعیت خنده دار می شود و بازی بازیگران فیلم هم جدی است. مثالی که شما در مورد خانم زنگنه زدید از این دست مثال ها است. او یک نقش جدی دارد اما فضای کار به شکلی بود که باعث می شود که نقش وی هم در نهایت خنده دار از کار در بیاید. در مورد تهیه کننده (پاکیده) باتوجه به آشنایی که با برادر وی داشتم و باتوجه به صحبت هایی که با او کردیم قبول کرد که تهیه کنندگی کار را بر عهده بگیرد و با مشورت هایی که با او داشتم به سراغ انتخاب گروه بازیگران رفتیم. اما موضوع جالبی که می خواهیم به آن اشاره کنم این است که در پایان کار دیدم خدا پروژه ما را خیلی زیاد دوست داشته است. معمولاً در ابتدای کار بازیگران شاید به این نوع کار روی خوشی نشان ندهند و جریان هم به این شکل نبوده که ما این گروه بازیگران را از ابتدا داشته باشیم. ما حدود یک ماه با بازیگران مختلف صحبت می کردیم و بسیاری از آن ها وقتی در جریان داستان فیلمنامه قرار می گرفتند، می گفتند ما به این کار نمی آییم چون نمی دانیم قرار است در نهایت فیلم چه شکلی پیدا کند. اما با لطف خدا بعد از یک ماه قضیه کاملاً برگشت و دوستان بازیگر آمدند و در کار بازی کردند و نتیجه نهایی آن هم آن چیزی است که اکنون برایتان قابل مشاهده است.

باتوجه به این که ظاهر فیلم از دور شبیه فیلم های کمدی معمولی است که این روزها در بازار می بینیم و تفاوتی که شما به آن اشاره می کنید را در اقسام تبلیغاتی آن نمی بینیم. آیا شما این ترس را نداشته اید که این فیلم به پای سایر کمدی های سینمای ایران بسوزد و تفاوت آن دیده و احساس نشود؟ وقتی که فیلمی با چنین موضوعی ساخته شود قطعاً کارگردان دوست دارد فیلم بهتر دیده شود و هم تأثیر اجتماعی بیشتری داشته باشد.

این جامی توان چند حدس را مطرح کرد یکی این که وقتی در فضای سینما، کار تمام شده و فیلم را ساخته اید اتفاقاتی می افتد که بخش زیادی از آن ها در دست شما نیست یعنی شما به جلو پیشروی می کنید و کارتان را انجام می دهید مخصوصاً اگر خیلی در فضای سینما نبوده باشید و کم کم به آن وارد شوید مثل من که قبلاً کارهایی در سینما کرده بودم اما این اولین کار حرفه ای من است. در کل فضا به گونه ای است که خیلی از کارها را در دست شما نیست و در بعضی جاها شما ایده هایی در ذهن دارید ولی شرایط موجود در اجتماع شخص را مجبور می کند که تصمیمش را عوض کند و آن هم فقط به این سبب است که فیلم حذف نشود. در حوزه تولید، پیش تولید، پس از تولید، پخش و تبلیغات اهم هایی وجود دارد گاهی شما مجبور می شوید چیزی را به خود تحمیل کنید که این اتفاقات در کار هم افتاده است.

صحبت پایانی در مورد فیلم ندارید؟
شاید در مورد عشق خیلی حرف ها زده شده اما در «عشقولانس» سعی کردیم حرفی را بزنیم که احساس می کردیم در جاهای دیگر کمتر زده شده یا نشده و این حس ما بود. در حال نوشتن چند کار هم هستم امیدوارم به زودی و پس از اکران «عشقولانس» با تامل کافی به ساختن آن ها بپردازم.

